

فرایندشناسی

حکمت

www.ketab.ir

سرشناسه	اخوت، احمدرضا، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور	فرایندشناسی حکمت / نویسندگان احمدرضا اخوت، هانی چیت‌چیان، کاظم حاجی‌رجبعلی؛ [به سفارش] مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت علیهم‌السلام.
مشخصات نشر	تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت (ع)، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۵۰۷ص:؛ نمودار.
فروست	از مجموعه کتب بنیادی حوزه انسان.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۲۱۸-۷۴-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص ۴۹۱.
یادداشت	نمایه.
موضوع	قرآن - بررسی و شناخت
شناسه افزوده	چیت‌چیان، هانی، ۱۳۴۲ -
شناسه افزوده	حاجی‌رجبعلی، کاظم، ۱۳۵۹ -
شناسه افزوده	مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت (ع)
ردی کنکره	۱۳۹۶ ف ۴۳۵۶ الف / ۴ BP۶۵
ردی دیویر	۲۹۷/۱۵:
نمره کتابخانه ملی	۳۹۹۵۳۷۳:

فرایندشناسی حکمت

از مجموعه کتب بنیادی «حوزه انسان»

نویسنده: احمدرضا اخوت، هانی چیت‌چیان، کاظم حاجی‌رجبعلی
ناشر: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت علیهم‌السلام
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ: اول ۱۳۹۶
شابک: ۷۸-۶۰۰-۷۲۱۸-۷۴-۷
قیمت: ۲۰۰,۰۰۰ ریال



نشر قرآن و اهل بیت نبوت

انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت علیهم‌السلام

تهران، بلوار کشاورز، خیابان ۱۶ آذر، پلاک ۳۵

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۹۰۵۷۰

۰۲۱-۸۸۳۹۰۵۷۰ سامانه پیامکی زمان جهت ثبت و ارسال سفارشات

۱۱.....	دییاجه : نهضت تولید علم سبب برقراری
۱۷.....	مقدمه
۲۵.....	فاتحه : منظرشناسی حکمت در قرآن
۲۷.....	۱. منظر اول: بلوغ
۳۲.....	۲. منظر دوم: حیات طیبه
۳۷.....	۳. مقایسه منظر اول و دوم
۴۰.....	۴. منظر سوم: تفصیل
۴۶.....	۵. مقایسه سه منظر با هم
۴۷.....	۶. مراحل نزول حکمت
۴۷.....	مرحله اول، مرحله ثبوت حکمت:
۴۸.....	مرحله دوم: مرحله ظهور حکمت
۴۹.....	مرحله سوم: اثبات حکمت
۵۰.....	مرحله چهارم: مرحله بروز حکمت
۵۱.....	مرحله پنجم: ابراز حکمت
۵۳.....	مرحله ششم: غایت و عصاره حکمت
۵۶.....	۷. جامع منفعت های حکمت
۵۷.....	فصل اول: ثبوت حکمت

۵۹.....	۱. ثبوت درهستی.....
۶۳.....	۲. حُسن درهستی.....
۶۷.....	۳. حکمت درهستی.....
۷۰.....	۴. ثبوت حکمت درهستی.....
۷۰.....	۴-۱. نسبت حکم با اسماء الهی.....
۷۹.....	۴-۲. نسبت حکم با فعل خداوند.....
۸۲.....	۴-۳. مکتب اهل بیت علیهم السلام در رابطه با اراده خداوند.....
۸۴.....	۵. سیر نزول حکم درهستی.....
۸۷.....	۵-۱. جریان حکم در عالم هستی.....
۸۹.....	۵-۲. جریان حکم در ساخت انسان.....
۹۱.....	۵-۳. جریان حکم در ساخت جامعه.....
۹۲.....	۵-۴. جریان حکم در هر سه ساخت.....
۹۵.....	۶. کونگ، ساخت حکم در بسترهای وقوع.....
۹۷.....	۶-۱. مبدا، شناخت حکم.....
۹۷.....	۷. جریان‌ها، فکری در اجبه با حکم و حکمت.....
۱۰۴.....	۷-۱. جریان یهود و مسلمانان در قرآن.....
۱۰۵.....	۷-۲. جریان اخبار و رهبران در قرآن.....
۱۰۷.....	۷-۳. جریان بدون انحراف از مبانی ثبوتی حکمت.....
۱۱۵.....	فصل دوم: ظهور حکمت.....
۱۱۷.....	۱. ظهور حکمت درهستی.....
۱۲۰.....	۲. ظهور حکمت در آفرینش پس از خلقت آدم.....
۱۲۲.....	۳. حضرت آدم علیه السلام نماد ظهور حکمت.....
۱۲۸.....	۴. ظهور حکمت برای بنی آدم.....
۱۲۹.....	۴-۱. حکم و حکمت‌های پایه‌ای.....
۱۳۶.....	۴-۲. تعمیم حکم و حکمت‌های پایه‌ای.....
۱۴۲.....	۵. مراحل ظهور حکمت برای نوع انسان.....
۱۴۴.....	۵-۱. اولین موقعیت ظهور حکمت برای نوع انسان (مسیر اول).....
۱۴۹.....	۵-۲. ظهور حکمت در حیات اولیه انسان.....
۱۶۰.....	۵-۳. مراحل ظهور حکمت.....
۱۶۹.....	فصل سوم: اثبات حکمت.....

۱. انسان در دنیا.....	۱۷۱
۲. میثاق با نبیین اثبات هدایت و حکمت.....	۱۷۵
۱-۲. نبوت حضرت نوح علیه السلام نماد اثبات حکمت.....	۱۸۰
۲-۲. نبوت انبیا نمایان کننده باطن دنیا.....	۱۸۶
۳. انسان در مواجهه با اثبات حکمت انبیا.....	۱۸۸
۱-۳. ارائه بینه برای اطمینان و اتمام حجت.....	۱۹۱
۳-۳. برخورد صحیح انسان در مواجهه با انبیا.....	۲۱۲
۴. مؤلفه های اثبات حکمت.....	۲۱۴
۱-۴. مؤلفه های اثبات حکمت از منظر انبیا.....	۲۱۵
۲-۴. مؤلفه های اثبات حکمت از منظر مخاطبین انبیا.....	۲۲۰
۵. تثبیت حکمت از سبب پیروان انبیا.....	۲۳۰
۱-۵. بهره مندی از تلاقی آیات.....	۲۳۱
۲-۵. بهره مند شدن از رکیه انبیا.....	۲۳۲
۳-۵. تعلیم کتاب.....	۲۳۲
۴-۵. تعلیم حکمت.....	۲۳۶
۶. جلوه های مختلف جاری شدن حکم، به عنوان اثبات و تثبیت حکمت.....	۲۳۹
فصل چهارم: بروز حکمت (حکومت و حاکمیت).....	۲۴۳
۱. بروز نیازها و اضطراها در زندگی.....	۲۴۵
۲. نیازهای انسان نیازمند سامان دهی.....	۲۵۰
۳. ساماندهی نیازها نیازمند به عوامل غیبی و ملکوتی.....	۲۵۴
۴. ساماندهی حقیقی نیازها سبب بروز حکمت.....	۲۵۶
۱-۴. حضرت ابراهیم علیه السلام نماد بروز حکمت.....	۲۵۷
۲-۴. حضرت موسی علیه السلام نماد اجتماعی بروز حکمت.....	۲۶۰
۵. ولایت الهی سبب ساماندهی نیازها.....	۲۸۱
۱-۵. ویژگی های ولایت الهی در ساماندهی نیازها و اضطراهای زندگی.....	۲۸۳
۶. دین خدا سبب ساماندهی و کارایی ولایت الهی.....	۲۸۹
۷. دین محور بروز حکمت.....	۲۹۲
۱-۷. نسبت بین دین، حکم و حکمت.....	۲۹۳
۲-۷. نسبت دین با رسالت و فطرت.....	۲۹۴
۳-۷. نسبت دین با تکوین و تشریع.....	۲۹۷

۲۹۷.....	۸. مؤلفه های بروز حکمت
۳۰۱.....	۹. نقش شریعت در تثبیت دین و بروز حکمت
۳۰۱.....	۱- ۹. بروز حکمت در ساحت حضرت آدم علیه السلام
۳۰۳.....	۲- ۹. بروز حکمت در ساحت شریعت حضرت نوح علیه السلام
۳۰۶.....	۳- ۹. بروز حکمت در ساحت شریعت حضرت ابراهیم علیه السلام
۳۰۸.....	۴- ۹. بروز حکمت در ساحت شریعت حضرت موسی علیه السلام
۳۱۰.....	۵- ۹. بروز حکمت در ساحت شریعت حضرت عیسی علیه السلام
۳۱۰.....	۶- ۹. بروز حکمت در ساحت شریعت یا دین حضرت رسول صلی الله علیه وآله
۳۱۳.....	(ختم نبوت و اکمال دین)
۳۱۷.....	فصل پنجم: عصاره حکمت
۳۱۹.....	۱. هستی، جلوه رحمت الهی
۳۲۰.....	۲. انسان، عصاره هستی
۳۲۱.....	۳. انسان، جواهر رحمت و نعمت الهی
۳۲۴.....	۴. انبیاء، عصاره انسان
۳۲۶.....	۵. انبیاء، جواهر آیات ربیات
۳۲۷.....	۶. حضرت عیسی علیه السلام، عصاره آیات و بینات
۳۳۴.....	۷. آیات و بینات، جلوه حکمت هستی
۳۳۶.....	۸. حکمت، عصاره تعلیم و تربیت انبیا
۳۳۸.....	۹. وجود مقدس خاتم انبیا، عصاره همه حکمت
۳۶۴.....	۱۰. وصیت، استمراری برای حکمت
۳۷۱.....	۱۱. پیامبر و اهل بیت، نماد اتمام و اکمال حکمت
۳۷۳.....	۱- ۱۱. فضل و زیادت
۳۷۸.....	۲- ۱۱. نصر و فتح نهایی
۳۸۲.....	۳- ۱۱. نعمت و امتنان
۳۸۴.....	۴- ۱۱. صلوات و غفران
۳۸۵.....	۵- ۱۱. حب و ود
۳۸۹.....	۱۲. پیامبر و اهل بیت علیهم السلام تأویل و عصاره حکمت
۳۹۷.....	فصل ششم: ابراز حکمت
۳۹۹.....	۱. انسان، محور حکمت آفرینش
۴۰۰.....	۲. انسان تنها ابراز کننده اختیاری حکمت

۴۰۲.....	۳. چگونگی دستیابی به حکمت
۴۰۳.....	۳-۱. تقویت عوامل دستیابی به حکمت
۴۰۶.....	۳-۲. وقوع شگفتی انگیزه‌ای برای دستیابی به حکمت
۴۱۰.....	۳-۳. سعی در رسیدن به بلوغ انگیزه‌ای برای دستیابی به حکمت
۴۱۲.....	۳-۴. رسیدن به شعور، شور، نشاط در زندگی انگیزه‌ای برای دستیابی به حکمت
۴۱۳.....	۳-۵. دستیابی به فرقان انگیزه‌ای برای دستیابی به حکمت
۴۱۴.....	۳-۶. فهم درست ارتباط محکّمات و متشابهات
۴۲۱.....	۴. مؤلّد های دستیابی به حکمت
۴۲۴.....	۴-۱. وصال انبیا و کتاب دردستیابی به حکمت
۴۳۲.....	۴-۲. امکانات دستیابی به حکمت
۴۴۳.....	۴-۳. برآورد دستیابی به حکمت
۴۴۹.....	۴-۴. شیوه‌های دستیابی به حکمت
۴۵۵.....	۴-۵. غایت دستیابی به حکمت
۴۵۸.....	۵. رجوع به ساختارهای حکمت‌آزین
۴۵۹.....	۵-۱. ساختارهای مرتبط با علم
۴۶۴.....	۵-۲. ساختارهای مرتبط با فعل
۴۷۲.....	۵-۳. ساختارهای مرتبط با عمل
۴۷۹.....	فصل هفتم: از ظهور تا ابراز حقیقت هرچیز
۴۹۳.....	منابع
۴۹۹.....	نمایه

عالم هستی تمامی ظواهر و جواهر اسماء الهی است که به واسطه رحمت عامه خداوند هستی یافته است و بر سطران هستی خود را تداوم می بخشد. طبیعتاً هیچ شأنی از شئون عالم را نمی توان یافت که از تجلی اسماء جلال و اکرام خداوند تهی باشد. مهم ترین وجه تمایز میان انسان با دیگر موجودات نیز در فهم و شناخت همین حقیقت و عمل مبتنی بر آن است، از این رو است که حیات حقیقی انسان را حیاتی علمی و ادراکی بیان می دارند.

با این توضیح روشن می شود که غایت ارسال رسولان الهی از جانب خداوند نیز چیزی جز این نبوده که انسان ها تمامی پدیده ها و وقایع بیرونی و درونی خود را، آیات و نشانه های آفاقی و انفسی دیده و به این ترتیب با برپاداشتن نظام قسط و عدل در برابر محور علم و عقل برپا می شود، تجلی حقیقی اسماء الهی شوند.

در این میان، قرآن از جایگاه ویژه ای برخوردار است. قرآن، خود تجلی تام و کمال توحید است که به واسطه وجود مقدس پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در اختیار انسان ها قرار گرفته تا مسیر تجلی توحید را در دژه دژه عالم هستی تبیین نماید، تا به این ترتیب آدمی در هیچ چیز نظر نکند مگر آنکه پیش از آن، در آن و پس از آن، خداوند را مشاهده کرده باشد. پس خداوند پیش از آنکه دست بر خلقت انسان نهد، حقیقت قرآن را بر سریره جان او تعلیم داد و انسان

به واسطه قرآن به مقام بیان رسید تا بتواند هر چیز را تبیین کند و با هر چیز خدا را ببیند، در هر چیز او را جستجو کند و همگی او شود.

واضح است که در چنین مکتبی حرف از جدایی قرآن از علم، قرآن از زندگی، قرآن از سیاست، قرآن از اجتماعیات، قرآن از تجربه و اساساً هرگونه جدایی میان قرآن، از هر شأنی از شئون انسان و عالم هستی، گناهی نابخشودنی و تکذیبی آشکار است که عاقبتی بس دردناک را برای فرد و البته جامعه به همراه خواهد داشت.

دنیای امروزه تنها این حقیقت آشکارا انکار کرده است، که آشکارا سعی در مقابله با آن دارد. تجلی انقلاب اسلامی ایران در عصر حاضر بیش از همه از این منظر باید مورد توجه قرار گیرد که یک بار دیگر، حضور دین و آموزه‌های انبیای الهی و به ویژه قرآن و سیره پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را در جریان زندگی انسان نمودار ساخته است. این تمدن اسلامی با محوریت قرآن و اهل بیت علیهم السلام، است. حرکت به سوی بانی تمدن اسلامی با محوریت قرآن و اهل بیت علیهم السلام، مهم‌ترین دستاوردهای حرکت و قیام امام خمینی رحمه الله علیه است. بر این اساس، مهم‌ترین وظیفه و رسالت نظامان و نخبگان و مراکز علمی آن است که به برکت فضای ایجاد شده، حرکت انقلابی صورت گرفته را ادامه دهند و تا توحیدی کردن تمامی شئون علم و تا رساندن توحید، تمامی عرصه‌های زندگی بشر، از پای ننشینند. تأکیدات رهبر فرزانه انقلاب در خصوص لزوم «نول علم مبتنی بر قرآن را می‌توان از این ره آورد، مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

مجموعه حاضر سعی کرده است تا گام نخست را در «اساس تولید و تبیین علم مبتنی بر قرآن و البته سیره و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام» بردارد. بر این اساس، نخست پژوهش‌های گسترده و جامعی در خصوص مبانی و روش‌های تدریس قرآن و برداشت از آیات و روایات صورت گرفت، سپس محورهای اصلی تولید علم شناخته و در ادامه به بررسی و تبیین زیرمجموعه‌های هریک از این محورها پرداخته شد. بر این اساس مطالعات در چهار حوزه قرآن و امام، هستی، انسان و جامعه صورت گرفته است:

❖ در بخش «قرآن و امام»، ضمن شناخت دقیق ساختار قرآن و امام، مبانی و روش‌های بهره‌گیری از این دو تبیین می‌شود. ضمناً این بخش ارتباط تنگاتنگی با ادعیه وارده

از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دارد که پس از تبیین و نگارش مطالب مربوط به این بخش، به صورت جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. (إن شاء الله) ❖ در بخش «هستی» نحوه تجلی اسماء و صفات الهی در عالم هستی مورد شناسایی قرار گرفته و سعی می‌شود تا چگونگی شناخت خداوند در مراتب مختلف عالم هستی تبیین شود.

❖ در بخش «انسان» ضمن تبیین عناصر ساختار وجودی انسان بر اساس قرآن و روایات، ابعاد و ژرفاهای وجودی او شناسایی شده و مبانی و روش‌های شکوفایی هریک تبیین می‌شود.

❖ در بخش «جامعه» نیز محال بخش انسان، عناصر مختلف ساختار وجودی جامعه به دقت شناسایی شده و مبانی و روش‌های شکوفایی جامعه تبیین می‌گردد.

آنچه در این مجموعه پیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است تألیف و نگارش مطالعات صورت گرفته در سطوح ساختار است. طبیعتاً هریک از محورهای یادشده نیازمند تبیین مبانی و اصولی هستند که اساس چیستی، چرایی و چگونگی را برای هر یک به دقت تبیین نماید. لیکن همین مبانی و روش‌ها علاوه بر آنکه در سطوح مختلف امکان آموزش را داشته باشد، ضمناً تا مرحله عملی و کاربردی نیز نازل گردد تا بدین ترتیب بتوان تجلی عینی آن را مشاهده نمود. بر این اساس کتاب‌های حاضر در شش قالب کلی تهیه و تدوین شده‌اند:

❖ کتاب‌های «بنیادی»: در این کتاب‌ها موضوعات اساسی و پایه‌ای از منظر چیستی، چرایی و چگونگی مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد. این کتاب‌ها، کتاب‌های اساسی و پایه‌ای هستند که مبنا و اساس مطالب عدلی دیگر کتاب‌ها را فراهم می‌نمایند.

❖ کتاب‌های «ساختار شناسی»: در این کتاب‌ها نقشه موضوعات اساسی و بنیادی ترسیم شده و فرد با تعاریف مربوطه آشنا می‌شود. بر این اساس این کتاب‌ها بیش از آنکه در مقام اثبات و نقد و نظر باشند، در مقام تعریف بوده و با استفاده از تمرین در خلال مباحث مطرح شده در آن، امکان شناخت

ساختاری و کلان را نسبت به موضوع مورد بحث فراهم می‌نمایند.

❖ کتاب‌های «راهبردی»: طبیعتاً هر یک از موضوعات بنیادی از مجموعه‌ای از موضوعات جزئی‌تر پدید آمده که ارتباط منسجم و نظامند میان این اجزاء، امکان تحقق موضوعات پایه‌ای و اساسی را فراهم می‌نماید. بر این اساس کتاب‌های راهبردی در مقام بررسی و تبیین این موضوعات قرار دارند که اساساً به دلیل جزئی‌تر بودن به حوزه عمل نزدیک‌تر می‌باشند. بنابراین اگرچه این کتاب‌ها صورتی تبیینی دارد، لیکن فضای بحث در آنها با کتاب‌های بنیادی متفاوت است.

❖ کتاب‌های «مهارتی»: آنچه مسلم است اینکه تحقق و پیاده‌سازی موضوعات راهبردی در عرصه زندگی، امکان تحقق کلمه توحید را فراهم می‌نماید. بر این اساس رکن‌های مهارتی سعی شده تا با استفاده از تمرین، مهارت، و البته فعالیت‌های عملی، این امکان فراهم شود تا فرد توانمندی عملی خود را در راستای موضوعات تبیین شده به‌کار گیرد.

❖ کتاب‌های عمومی: این کتاب‌ها با هدف ارتقای فرهنگ عمومی نگاشته می‌شود که برخی مستقیماً به قرآن پرداخته و برخی موضوعات مبتلا به جامعه را با رویکرد قرآنی و به شکل ساده و روان بیان داشته است.

❖ از نگاه میزان: تفسیر قیم‌المیزان حکم‌یاری را در مطالب نگاشته شده در کتاب‌های فوق‌الذکر دارد. در این مجموعه موضوعات مورد رسم در کتاب‌های مختلف از منظر تفسیرالمیزان مطرح شده و به صورت یکپارچه ارائه می‌گردد. این کتاب‌ها نقش محوری در سیرهای مطالعاتی ویژه دانشجویان و طلاب خواهد داشت.

امید است نظرات، پیشنهادات و مساعدت‌های اساتید، محترم و دانشجویان محترم بر سرعت، دقت و غنای علمی و معنوی این آثار افزوده و در ذیل عنایات ویژه امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف مقدمات ظهور آن عزیز سفر کرده را فراهم نماید.

مدرسه دانشجویی قرآن و عترت علیهم‌السلام دانشگاه تهران

سنگ بنای زندگی اسدن، اعتمادات و باورهای اوست و سنگ بنای هر باور و اعتقادی، علم یا شبه علمی است که در روز فرد جاری می شود. وقتی آبشخور باورها، علم قطعی و یقینی شد انسان طعم زندگی را نخواهد چشید و علم های غیر قطعی کار باورسازی را به دریغ تمام خواهند داد و اینگونه انسان را به بیراهه ها خواهند کشید و او را به ورطه سقوط و هلاکت سوق خواهند داد. به این ترتیب، زندگی انسان در گرو کشف محکمت است و اگر در این مسیر بوفیه نیابد حیات او به مخاطره می افتد.

در قرآن به علمی که عهده دار تأمین محکمت زندگی است حکمت گفته می شود که علمی پرفایده، با برکت و نیز نشانه ای برای خیر کثیر است.

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ^۱

حکمت را به هر که خواهد می دهد و هر که صاحب حکمت شد، به تحقیق خیر فراوان به او داده می شود و جز خردمندان اندرز نگیرند.

کلماتی که معنای خیر کثیر را در قرآن تداعی می کنند واژه های «کوثر» و «برکت» هستند. گویی کسی که دارای حکمت است، از این دو عطای پروردگار برخوردار شده است.

اسم حکمت، نشانه‌ای است برای علمی که زندگی انسان را به صلاح و فلاح می‌کشانند، و نیز نشانه حکمی است که از سویی به کشف هست و نیست‌ها و از سوی دیگر به باید و نبایدها اشاره دارد.

اسم حکمت از یک سو علامتی است برای محکم بودن ساختار هستی و از سوی دیگر نشان‌دهنده علم سطره‌ای است که در ساختار هستی از جانب حکیم مطلق وجود دارد. در شأن و منزلت حکمت همین قدر کافی است که تنها صاحبان خرد به شأن آن واقف می‌شوند. زیرا خود از آن بهره دارند و زندگی آنها وابسته به آن است.

وقتی خداوند به کسی حکمت می‌دهد او را شاکر می‌کند؛ به عبارت دیگر بهره کسی که دارای حکمت است مواجهه صحیح با هر نعمتی است.

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ
اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

ما به آن مقام حکمت دادیم. شکر الهی را به جا آور که هر کس خدا را شکر کند، در واقع به سود خود شکر کرده و هر که کفران کند، خداوند بی نیاز و ستوده است.

جنس حکمت از نوع فهم و امر و نه الهی است، چرا که به واسطه اتصال به محکمت هستی، منجر به درک حکم الهی و هر شائی می شود. انسان دارای حکمت، وصیت پذیر است به همین دلیل قرینه آیه فوق که برای لقمان است، برای هرانسانی اینگونه تقدیر شده است:

وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِالذِّكْرِ فَكُنْ مِنْ أَشْكُرٍ
لِذَلِكَ إِلَى الْمُتَصِيرِ

ما به انسان، سفارش پدر و مادرش را کردیم. مادرش او را ناتوانی تحمل کرد و دوران شیرخوارگی او دو سال به طول انجامید. شرمز، حاضر و سپس از پدر و مادرت سیاست‌گذاری کن که بازگشت شما به سوی من خواهد بود.

جنس حکمت از نوع مصلحت و منفعت منطبق با فطرت است، به همین دلیل در قرآن برای جاری شدن احکام نورانی اش وحی احکام الهی را حکمت برمی شمارد و عمل به آن احکام را سر یگانه پرستی معرفی می کند.^۳

۱. سوره مبارکه لقمان، آیه ۱۲.

۲. سوره مبارکه لقمان، آیه ۱۴.

۳. سورہ مبارکہ اسراء، آیات ۳۱ تا ۳۹.

از همه مهم‌تر، جنس حکمت آموختنی است، می‌شود آن را یاد داد و یاد گرفت و این بشارت بزرگ، سرنزول وحی به انسان و فرود آمدن انبیا به سوی اوست.

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ^۱

اوست که در بین مردم درس نخوانده پیامبری از خودشان مبعوث کرد تا آیات خدا را برای آنها تلاوت و آنان را تزکیه کند و کتاب و حکمت را به آنها بیاموزد. هر چند قبل از آن، در گمراهی آشکاری بودند.

بر اساس مفاد فوق، کتاب حاضر در صدد آن است با کاوش در خصوص حکمتی که طعام صاحبان خرد است. بار آموزش این موضوع مهم و کلیدی قرآنی را به روی خود و دیگران بگشاید تا با شناختن آن امکان به دست آوردن رزق معنوی و طعام حیات بخش و روح افزا را به دست آوریم و به این دستورات الهیه عمل بهوشانیم:

رَوْحُوا أَنْفُسَكُمْ بِتَدْيِيعِ الْحِكْمَةِ فَإِنَّ تَكَاثُرَ كَمَا تَكِلُ الْأَكْدَانُ^۲

نفس‌های خود را بحکمت‌های نوینده زنده‌داران با جان‌ها مثل بدن‌ها خسته می‌شوند. بر اساس روایت فوق هر یک از انسان‌ها، باید به اندازه ظرف و توان خویش از این طعام بهره‌مند شوند، زیرا تداوم حیات و رشد انسان در گرو بهره‌ای است که مبتنی بر شناخت‌های قطعی و البته متناسب با ظرف و ظرفیت او است. همین دلیل است که علم مناسب با ظرفیت انسان، رزق و طعامی است که موجب حیات و طراوت انسان می‌شود. به این ترتیب برای تأمین این علم باید:

۱. رزق و طعام معنوی متناسب با هر مرحله از زندگی و رشد خود را شناسایی کند.
۲. نحوه استفاده درست از این رزق و طعام را برای دستیابی به یک رشد سالم و روحانی شناسایی کند.

۳. انواع آسیب‌ها و موانع را در این مسیر بشناسد و چگونگی مقابله با آن را شناسایی کند. طبیعتاً شناخت حکمت‌های مناسب در هر دوره، تنها از جانب خالق و مدبری ممکن است که این سفره به واسطه رحمت او گسترده شده است و ویژگی‌ها و خصوصیات هر رزق و طعام و همچنین هر مرحله از زندگی انسان، در احاطه علم و

قدرت اوست. بنابراین شناخت حکمت‌های متناسب در هر مرحله و نحوه بهره‌مندی از آن، نیازمند شناخت قوانین و باید‌ها و نبایدهای خالق مدبر است. این مهم در فرهنگ قرآن «حجت» نامیده می‌شود که لازم است انسان برای بهره‌مند شدن از هر حکمت یا به تعبیر دیگر هر رزق و طعام و یا پرهیز از آن، مبتنی بر آن عمل کند.

حاصل بهره‌مندی از حکمت و استفاده حکیمانه از آن، دستیابی به نهایت رشد در هر مرحله از زندگی است. به دستیابی به نهایت رشد در هر مرحله، بلوغ گفته می‌شود که به واسطه آن، انسان در معرض مرحله بعدی رشد قرار می‌گیرد و ظرفیت بهره‌مندی بیشتری از حکمت را پیدا می‌کند.

به این ترتیب اگر انسان به علم محکم و قطعی متناسب با ظرفیت خود دسترسی پیدا کند، تاریخ قبلی خود به بلوغ بعدی‌اش مهاجرت می‌کند.

بر این اساس دو مفهوم حکمت و بلوغ از لوازم یکدیگرند. واجد بودن بلوغی، اقتضای دریافت حکمت را در فرد به وجود می‌آورد و دریافت حکمتی، فرد را به بلوغ بالاتر می‌کشاند. حکمت هم مقدمه بلوغ و هم نتیجه آن می‌شود.

مقام بالاتر از حکمت، آن رتبه‌ای است که انسان می‌تواند بدان متصف شود، مقام برخورداری از حکم است.

ظاهراً در قرآن، واجد حکم بودن با حکمت داشتن متفاوت است. واجد حکم بودن، زمانی اتفاق می‌افتد که علم نسبت به چیزی در فرد از حد حکمت عبور کند و به ارائه باید و نبایدها در آن زمینه و قضاوت بین مردم برسد.

انسانی که دارای حکم است به طور مسلم، علمی سرشار از حکمت دارد که به اذن الهی مأمور بر حکم دادن بر مردم شده است.

درست است که این موهبت تنها نصیب عده‌ای خاص از انسان‌های مقرب می‌شود ولی این انسان‌ها ذخایر و خزائن عالم‌اند و منفعت آنها نصیب همه افراد بشر می‌شود. گویی به برکت حکم، حکمت بر بشر جاری شده است. به این ترتیب نمی‌توان از حکمت سخن گفت و از منشأ آن سخن نراند. همان‌طور که نمی‌شود در مورد منشأ حکمت کاوش کرد و در مورد جریان یافتن آن در نظام انسانی مسکوت ماند.

اقتضای علمی که با حکم قرین می‌شود این است که از ناحیه نزول حکم الهی به

منفعت و کاربرد می‌رسد و این همان حکمتی است که گم‌شده مؤمن است و هر جا آن را بیابد، بدون درنگ درصدد اخذ آن برمی‌آید.

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در این کتاب به آن اشاره می‌شود بیان نکته فوق است که به صراحت حکمت را وابسته به حکم الهی می‌داند، زیرا منشأ هر منفعت، مصلحت، کاربرد و فایده‌ای برخوردار از حکم الهی است.

علمی که بر فواید، منافع، کاربردها و منفعت‌ها واقف می‌شود، علم حقیقت بین است. از آنجایی که انسان در دنیا یعنی در دار تدریج قرار گرفته است، حقیقت را در جلوه‌های مختلفی می‌رؤیت می‌کند. این حقیقت نیست که متغیر چنین علمی است، بلکه این تدریج است که باعث رؤیت ظهورات آن می‌شود. مانند خورشید که ثابت است و به دلیل تغییر در ریت زمین، باعث ظهورات مختلفی از شب و روز می‌شود. انسانی که روی زمین بر هر مرض ریت نور خورشید است، گاهی محرومیت می‌کشد، گاهی نور خورشید را در سنگا سیرج رؤیت می‌کند و گاه تجلی کامل نور را شاهد است و در نهایت بروز، به روز دیگر منتقل می‌شود. به این ترتیب وقتی حکمت در ساحت انسان جریان می‌یابد، شعاع نورش از سنو، نهایت و انتقال به حکمت دیگر جلوه‌هایی مختلف پیدا می‌کند.

فهم این موضوع بنای فصل‌بندی کتاب حاضر است. لازم دیدیم شد تا در «فاتحه»، این موضوع به خوبی به بحث و نظر گذاشته شود. بنابراین هر فصل کتاب بر مبنای جلوه‌ای از حکمت تدوین شده است و بر اساس آن نیز بلوغی رقم می‌خورد. با رغی که اگر آن جلوه در آن ظاهر نشود، نه در فهم فرد و نه در مراحل تکوین اختیاری این روندی صورت نمی‌گیرد.

در مطالعه کتاب حاضر، توجه به موارد زیر توصیه می‌شود:

۱. از آنجایی که حکمت در کتاب حاضر بر مبنای سه محور اساسی بلوغ، حیات طیبه و تفصیل در امور تنظیم شده است، پیشگفتاری به نام فاتحه به تبیین این امر اختصاص یافته است.

۲. با توجه به اینکه ایده کلی کتاب برای آشنایی انسان با حکمت و نیز دستیابی او به این خیر کثیر از فهم ثبوت حکمت تا چگونگی ابراز حکمت است، بنابراین فصول بعدی

- کتاب براساس ثبوت، ظهور، اثبات، بروز، عصاوه و ابراز حکمت تنظیم شده است.
۳. مطالب مربوط به سه محور اساسی زندگی یعنی بلوغ، حیات طیبه و تفصیل در دل فصول شش گانه توزیع شده و در عین حال ممکن است غلبه مطالب فصلی با یکی از محورها سه گانه باشد.
۴. سعی شده است تا مطالب برای سهولت در برداشت به صورت نمودار هم ذکر شود. نمودارهای تا فصل پنجم براساس «لا» برگرفته از لا اله الا الله بیانگر قوس نزول و قوس نزول هستی و مفهوم «انا لله و انا الیه راجعون» است، زیرا چنانکه در کتاب خواهید دید حکمت به معنای فهم حقیقت شیء از نزول تا بازگشت است.
۵. به نظر می رسد مهم ترین دستاورد کتاب حاضر، بررسی و تبیین جایگاه و مقام انبیای عظام به ویژه حضرت آدم علیه السلام و انبیای اولوالعزم علیهم السلام در مفهوم حکمت و نبوت است. در دستیابی به آن است. براین اساس یکی از ارکان مهم فهم حکمت، قدرشناسی، دانستن ارزش و جایگاه ایشان دانسته شده است.
۶. در پایان کتاب در حاشی به نام خاتمه، براساس فصول شش گانه، روش پژوهش موضوعات براساس حکمت بیان شده است.
۷. سعی شده است مطالب کتاب به صورت اختصار بیان شود به همین دلیل، عناوین فصول کتاب حاضر، تألیف، ارائه به عنوان کتابی اختصاصی را دارند. همچنین حکمت را می توان به صورت کتابی به نقل براساس یکی از سه محور یاد شده (بلوغ، حیات طیبه و تفصیل) تبیین کرد. از این رو کتاب حاضر در صدد طرح سرشاخه های موضوع حکمت از منظر قرآن بوده است.
۸. به دلیل تنیده بودن مباحث با هم در برخی از فصل ها، تکرار مطالب بوده ایم و در بیشتر مواقع نیز به دلیل اختصار از ذکر مطالبی خودداری کرده ایم که پیشاپیش از ملالت و ابهامی که در برخی از مطالب پیش آمده عذر می خواهیم.
۹. در پایان از خداوند متعال خواستاریم که به یمن اسامی انسان های والایی که در کتاب از آنها یاد شده قلم عفو و غفران بر نواقص مطالب ارائه شده بکشد و به نورانیت خود، قلب های ما را نورانی نماید.